هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادگرند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال دوازدهم – شمارۀ سی و ششم ۳۰ قوس ۱۳۹۲ ۱۷صفر المظفر ۱۴۳۵– 21 December 2013



مجموعه های کوچک نمی توانند در مسیر تحولات فعلی، اثرگذاری داشته باشند اینجاست که باید مجموعه های که پراگنده کار می کنند بصورت هماهنگ کار کنند.

از سخنان رهبر شهید

به بهانۀ دوازدهمین سالروز انتقال متمدنانۀ قدرت سیاسی در کشور:

متن کامل بیانیۀ شهید استاد برهان الدین ربانی در مراسم انتقال قدرت

یقیناً این پدیده در جامعۀ پرآشوب ما طی چندین قرن اخیر سابقه ندارد و آن را بایست متمدن ترین شیوۀ انتقال قدرت خواند.

***

دیگر اجازه ندهند کشور یک پارچه و متحد ما را به نام شمال و جنوب و ملیت های برادر ما را به نام پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک از هم جدا سازند، همه با هم بر مبنای اخوت اسلامی که اساسی ترین رمز و راز اتحاد ملت ماست و براساس وحدت ملی، مشترکات فرهنگی، افتخارات مشترک تاریخی به عنوان یک ملت واحد، آزاد و سرافراز مرحله جدیدی از تاریخ حیات اسلامی و ملی خویش را آغاز نمائیم.

ص۳



در پی سفر رئیس شورای عالی صلح به امریکا:

کمیتۀ تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل، حمایت خود را از روند گفتگوهای صلح به رهبری افغان ها اعلام نمود



محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح در یک سفر رسمی عازم ایالات متحده امریکا شد. موصوف در این سفر با مقامات بلند رتبۀ آن کشور، دیدارهای دوجانبه داشتند. هدف سفر رئیس شورای عالی صلح را رایزنی ها راجع به پروسۀ صلح و چگونگی پیشرفت این روند تشکیل میداد.

طی این سفر رئیس رئیس شورای عالی صلح در کمیتۀ تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز سخنرانی کرد.

ایشان در این سخنرانی، اوضاع جاری کشور، چگونگی گفتگوهای صلح با طالبان را تشریح کرد.

درهمین حال و پس از استماع این سخنرانی، اعضای کمیتۀ تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد به بحث و تبادل نظر در مورد پرداختند. در پایان نشست تمام اعضای کمیتۀ تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد حمایت قاطع شان را از پروسۀ صلح به رهبری افغانستان اعلام داشتند.

روابط هند و افغانستان و انتظارات متقابل



☐ راوی

سفر حامد کرزی به دهلی جدید و صحبت هائی که وی با مقامات هندی داشت، مورد توجه رسانه های بین المللی قرار گرفت. قبل از سفر وی به دهلی جدید گفته شد که حامدکرزی در این سفر از مقامات هندی خواهان فروش جنگ افزار به افغانستان خواهد شد. هرچند در گذشته نیز خواست مشابهی از جانب رئیس جمهور کرزی از هند مطرح شده بود اما مقامات هندی گفته بودند که برنامه ای برای فروش جنگ افزار های کشنده به افغانستان ندارند.

در جریان این سفر مقامات هندی حامدکرزی را برای امضای توافق نامۀ امنیتی با امریکا تشویق نمودند اما کرزی در مصاحبه با روزنامۀ فرانسوی لومند از بی اعتمادی خود به امریکا سخن گفت و علاوه کرد که امریکا در امضای قرارداد امنیتی با افغانستان روشی استعمارگرانه داشته و وی را برای امضای این قرارداد تحت فشار قرار داده است. این درحالیست که هندوستان از رئیس جمور کرزی خواسته است تا این قرارداد را با امریکا امضا کند.

در جریان این سفر مقامات هندی بصورت مشخص وعده ای برای فروش جنگ افزار به ص۶

انتقال متمدنانۀ قدرت؛ پا نهادن بر فرهنگ استبداد! ص۲

اول جدی ۱۳۸۰ و انتقال آرام قدرت ص۲

برادرم! راه تو رنگین است!!! ص۷

اکت های غیر مترادف در نبود قدرت ملی! ص۲

داکتر عبدالله عبدالله و بحث حقوق بشری

سازمان دیده بان حقوق بشر، در تاریخ ۱۲ ماه جاری میلادی از نامزدان ریاست جمهوری خواست که به مهمترین موضوعات مرتبط به حقوق بشری که در ۱۷ پرسش با آنها در میان گذاشته شده بود، پاسخ ارائه کنند.

داکتر عبدالله عبدالله، نامزد ریاست جمهوری در پاسخ به این پرسش ها گفته است که وارد شدن به بحث عدالت انتقالی، نیازمند نهادهای مسلکی و بی طرف و مستلزم نظام عدلی و قضایی معیاری، مستقل و با اعتبار است.

موصوف گفته است که در صورت پیروزی در انتخابات سال آینده، نظام عدلی و قضایی افغانستان را تقویت می کند و به استقلالیت، ارتقای نقش داوری منصفانه، قابل اعتماد بودن و مسلکی بودن آن ارج می گذارد.

به گفتۀ وی، علاوه براینکه در مورد عدالت انتقالی احساس مسوولیت می نماید، در جهت گسترش اخلاق بردباری نیز فعالانه سهم ایفا می نماید. به باور داکتر عبدالله بسترهای فرهنگی، حقوقی و اخلاقی مناسب به وجود آورده شود و از این طریق به بحث عدالت انتقالی و حقوق انسان ها پرداخته شود. در غیر آن استفاده های سیاسی و تشدید روحیۀ انتقام جویی، تحت این عنوان، احقاق حق را به وجود نمی آورد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

انتقال متمدنانهٔ قدرت؛ پا نهادن بر فرهنگ استبداد!

تاریخ همیشه عملکرد های کلان شخصیت ها، کشورها و جوامع بشری را در اوراق خود به ثبت می رساند که با چرخش زمان، از این رویدادهای مهم یاد دهانی می نماید. یکی از روزهای بیاد ماندنی در تاریخ افغانستان، همانا انتقال مسالمت آمیز و متمدنانهٔ قدرت سیاسی کشور به منظور مشروعیت بخشیدن نظام بود که این رویداد به تاریخ اول جدی ۱۳۸۰ هـ. خ ، به عنوان نقطهٔ عطف در تاریخ کشورمان ثبت گردید.

پروسهٔ انتقال متمدنانه و مسالمت آمیز قدرت توسط رهبر معظم جهاد و مقاومت، رهبر فقید جمعیت اسلامی، شهید صلح استاد برهان الدین ربانی، در حالی که ریاست دولت اسلامی افغانستان را عهده دار بودند، بعد از آنکه طالبان و تروریسم در پی مقاومت مردم مسلمان افغانستان تحت رهبری خِردمندانهٔ ایشان از هم پاشید، بر مبنای فیصلهٔ بُن و توافق شخص استاد شهید، - که جهان شاهد بود- انجام شد و بر فرهنگ زور و استبداد پا نهاد.

چنین گذشت جسورانه، به طور مسالمت آمیز را می توان سرآغاز یک فصل جدید در تاریخ معاصر کشور دانست که حتی در جهان بی پیشینه می باشد. تاریخ شاهد این حقیقت است، قدرت سیاسی با زور، کودتا، قتل و کشتار، دست بدست شده است. تکیه زدن به قدرت از طرق نا مشروع، طبعاً کینه توزی و عداوت، کشتار، به زندان انداختن ها و متضرر شدن برخی شهروندان را به دنبال دارد. استاد شهید این رویداد تاریخی را در همان روز – اول جدی ۱۳۸۰- در سخنرانی اش، بی سابقه و متمدن ترین شیوه خوانده بود: «یقیناً این پدیده در جامعهٔ پرآشوب ما طی چندین قرن اخیر سابقه ندارد و آن را بایست متمدن ترین شیوهٔ انتقال قدرت خواند.»

کشور و مردم ما در اولین ماه سال جدید هجری خورشیدی ۱۳۹۳ شاهد پروسهٔ انتقال قدرت سیاسی از طریق انتخابات خواهد بود، امیدواری بر این است تا ایثار و از خودگذری شهید صلح، درسی باشد برای زمامداران در کشورما، تا در شفافیت و سلامت انتخابات بکوشند و با ارج گزاری به آرای مردم این پروسه را نهادینه سازند.

ده روز بعد به سال ۲۰۱۴ میلادی خواهیم رفت، سالی که از مردم عام تا سیاستمداران و چیز فهمان کشور حرف ها و نگرانی های خود را دارند. این سال، سال سرنوشت ساز برای کشور و مردم افغانستان می باشد. زیرا در این سال، پروسهٔ انتقال کامل مسؤولیت های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان سپرده می شود. نیروهای خارجی که به منظور مبارزه با تروریزم به افغانستان آمده بودند، باید برگردند و بگو مگوهای حکومت افغانستان با امریکا روی امضای پیمان امنیتی، از جمله چالش ها و نگرانی هایی است که در همه امور بخصوص در عرصهٔ امنیتی و اقتصادی تأثیر بسزایی دارد.

مهار کردن چالش هایی فرا راه و استفاده از فرصت ها، تنها با سیاست های مدبرانهٔ دولتمردان است که می‌توان یکی پی دیگر در رفع آنها اقدام کرد. اندکترین کوتاهی و غفلت باعث از دست رفتن دستآوردهای یک دههٔ اخیر و دوام نا امنی ها خواهد بود.

اول جدی ۱۳۸۰ و انتقال آرام قدرت

□ تکساری

اول جدی ۱۳۸۰ هجری شمسی انتقال قدرت به شکل مسالمت آمیز از دولت اسلامی افغانستان به حکومت موقت که در رأس آن محترم آقای کرزی که در همایش بُن تعین گردیده بود، انتقال داده شد. این انتقال با یک تمدن عالی و تحمل پذیری صورت گرفت. بعد از سال ها جریان مقاومت در فرجام طیف هایی از تکنوکراتان غرب، اعضای جبههٔ مقاومت در هرم قدرت قرار گرفتند. بعد از این انتقال مسالمت آمیز یک سلسله حرکت های سیاسی، مدنی و حقوقی در جهت ایجاد یک جامعهٔ قانونمند روی دست گرفته شد که از جمله می توان لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی، انتخابات دو دورهٔ ریاست جمهوری، پارلمانی و شورای ولایتی را نام برد.

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی با تمام سعهٔ صدر قدرت را بصورت مسالمت آمیز و به شکل متمدنانه اش به ادارهٔ موقت انتقال داد. وی در بیانیهٔ تاریخی خویش اظهار داشت که افغانستان باید آزادی عمل، استقلال و تمامیت ارضی خویش را حفظ نماید. جریان مقاومت فقط بخاطر بازگشت آزادی های مدنی و خود ارادیت کشور به مبارزه پیگیر خویش ادامه داد. در نتیجه این انتقال، نیرو های چندین ملیتی داخل کشور گردید و به تعقیب آن اعضای ناتو و متحدان آن به این کشور به هدف امنیت، بازگشت آزادی های مدنی، گسترش دیموکراسی، ایجاد جامعهٔ مدنی و مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر و بازسازی افغانستان وارد صحنه گردیدند و میلیارد ها دالر به این کشور سرازیر گردید تا به این اهداف دست یابند.

در سال های نخستین حضور نیرو های ناتو یک نوع امنیت سراسری در کشور بوجود آمد و تنش هایی که در میان شمال و جنوب و شرق و غرب بوجود آمده بود آهسته آهسته ذوب گردید و مردم آزادانه می توانستند به نقاط مختلف افغانستان به داد و ستد تجارتی و فرهنگی بپردازند. باید از این انتقال آرام قدرت در سال ۱۳۸۰ نتیجهٔ مثبت گرفت و قدرت بصورت مدنی و مسالمت آمیز آن به یک زعیم منتخب انتقال یابد. استاد شهید برهان الدین ربانی با تمام قوت در انتقال قدرت همکاری نمود و قدرت را بدون امتیاز و دغدغه های سیاسی به ادارهٔ موقت انتقال داد.

جای دارد که محترم رئیس جمهور کشور و متحدان آن در انتقال آرام در گردش آرام قدرت همکاری نموده و صحت و سلامت آن را تضمین نماید. هر نوع بهره برداری و امتیاز طلبی دور از انصاف بوده و یک حرکت متمدنانه و وطندوستانه نخواهد بود. اگر استاد ربانی قدرت را بصورت مسالمت آمیز انتقال نمی داد، هیچ نیرویی در آن وقت وجود نداشت که وی را به این کار مجبور سازد؛ زیرا جبهات منظم جهادی تحت کنترول استاد ربانی قرار داشت و این نیرو می توانست هر نوع موانع را در جهت انتقال قدرت بوجود بیاورد. باید از این تجربهٔ مثبت آموخت و تمام نیرو در جهت آرام انتقال سیاسی بخرچ داده شود؛ زیرا همین اکنون طرفداران رئیس جمهور از اینجا و آنجا، حتی از مجلس سنا صدا بلند می نمایند و با بهانهٔ نبود شرایط انتخابات در کشور، بر تداوم قدرت آقای کرزی اصرار می ورزند، در حالی که مجلس سنا باید حامی قانون در کشور باشد، نه اینکه خود قانون را نقض نماید. یک چنین حرکت ها جفا بر مردم افغانستان صلح و ثبات دایمی و یک نوع پیچیده گی سیاسی را در کشور بوجود می آورد. ما مجبوریم تحت هر شرایط انتخابات را برگزار نمائیم و بدون یک انتخابات شفاف و عادلانه پاسخگو نمی توان قدرت را در کشور مدیریت نمود.

از جمله انواع قدرت یکی آن قدرت قانونی می باشد که از طریق ارادهٔ مردم تمثیل می گردد در غیر آن همان زور گویی است که در برابر هر نوع حرکت قانونی می ایستد و جامعه را به سوی بی ثباتی سوق می دهد. هر قدر مشروعیت در کشور بیشتر گردد و توزیع قدرت و سرمایه در دستان طیف های مختلف کشور قرار گیرد، به همان تناسب بر تنش زدایی کمک نموده و جلو بحران گرفته می شود. یک چنین صدا ها نمی تواند بحران را در کشور مدیریت نماید. انتقال قدرت در سال ۱۳۸۰ باید به عنوان یک تجربهٔ مثبت همواره در نظر گرفته شود. هر نوع امتیاز طلبی و جو سازی سیاسی در جهت استمرار قدرت، کشور را به سوی بحران سوق می دهد.

اکت های غیر مترادف در نبود قدرت ملی!

□ نذرالله عنایت

عدم امضای قرارداد امنیتی میان کابل و واشنگتن طی یک ماه اخیر به بحث و فحص ملی و بین المللی تبدیل شده است. در عرصهٔ ملی بیشترینه مردم عادی، احزاب سیاسی، نهادهای مدنی، کاندیدان ریاست جمهوری و حتی شورای ملی به امضای این توافق نامه از سوی رئیس جمهور تأکید کرده اند. اما رئیس جمهور دو پا را در یک کفش انداخته و به خواست مردم توجه نمی کند. پافشاری حامدکرزی در حالی صورت می گیرد که نگرانی های شدید مردم، نوسانات نرخ کالا در بازار، کاهش ارز سیر صعودی خود را می پیماید. سفرهای پی در پی مقامات امریکایی که طی چند هفتهٔ گذشته به کشور صورت گرفت و بدون کدام پیشرفت دراین عرصه نا امید از افغانستان برگشته اند، جان کری وزیر خارجهٔ آمریکا در تازه ترین اظهاراتش گفته است که امکان این نیز وجود دارد که موافقتنامهٔ امنیتی میان کابل و واشنگتن با رئیس جمهوری آینده افغانستان امضا شود.

آقای کری در گفت وگو با تلویزیون ان بی سی آمریکا گفته است که برای امضای این موافقتنامه ضرب الاجلی تعیین نشده است. برخی از کارشناسان سیاسی اظهارات آقای کری را نوعی عقب نشینی توصیف کرده اند.

درعین حال این مقام امریکایی گفته است در صورتی که نیروهای این کشور افغانستان را ترک کنند نیروهای امنیتی افغانستان با چالش های جدی مواجه خواهند شد. با این حال ارگ ریاست جمهوری افغانستان می‌گویند که رئیس جمهوری کرزی تنها زمانی این موافقتنامه را امضا می‌کند که خواست‌های افغانستان از جانب امریکا پذیرفته شود. ایمل فیضی سخنگوی رئیس جمهور گفته است، تا زمانی‌که امریکا خواست های دولت افغانستان را نه پذیرد، رئیس جمهوری حاضر به امضای این موافقتنامه نیست.

پیش از این مقام های آمریکایی به تکرار خواستار امضای این موافقت نامه قبل از پایان سال جاری میلادی شده بودند. در یک ماه گذشته، سوزان رایس، مشاور امنیت ملی امریکا، جیمز دابینز نمایندهٔ ویژهٔ امریکا در امور افغانستان و پاکستان و جان کری وزیر خارجه برای گفتگو با کرزی در مورد امضای این موافقتنامه به کابل سفر کرده اند. اما دو طرف هنوز نتوانسته اند راه حلی برای این مسئله پیدا کنند. معلوم نیست که امضای توفق نامه امنیتی در چه زمانی میان دو کشور به امضا می رسد.

در عین حال کاخ سفید گفته است که نمی تواند برای امضای این سند امنیتی زیاد منتظر بماند.

از سوی هم فشارهای داخلی مبنی بر امضای این پیمان به رئیس جمهور با گذشت هر روز اضافه تر می شود. در تازه ترین موارد، ص۴

به بهانهٔ دوازدهمین سالروز انتقال متمدنانهٔ قدرت سیاسی کشور:

متن کامل بیانیهٔ شهید استاد برهان الدین ربانی در مراسم

انتقال قدرت

اول جدی ۱۳۸۰ هجری خورشیدی



الحمدلله الـذی تـتم بنعمتـه الصـالحات و صـلح علیـه امـر الـدنیا و الاخـرهٔ، والصـلوهٔ و السـلام علـی سـیدالانبیاء و المرسـلین محمـد رسـول الله الامین وعلی الـه الطـاهرین الطیبـین و صحابته اجمعین و بعد!

هموطنان با شـهامت، ملـت آزاده، صـبور و سرافراز افغانستان، رئـیس و اعضـاء محتـرم حکومت موقت مهمانان عالیقدر!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

امـروز یـک روز تـاریخی و مهـم در تـاریخ پرافتخـار ملـت بـا عظمـت ماسـت، آری! در ایـن برههٔ حساس از تـاریخ، سرنوشـت سـرزمین زیبـا و ملـت قهرمـان و حماسـه آفـرین مـا بعـد از تحمـل رنـج هـای فـراوان، قربـانی هـا آواره گـی هـا و ویرانـی هـا و انـدوه بـی پایـان اینـک بـا سرنوشـت بشـریت متمـدن گـره خـورده اسـت، و منافع علیای ملی ما بـا منـافع جامعـه جهـانی هـم سویی یافتـه اسـت وکشـور فرامـوش شـده مـا در محراق توجه جهانی قرار گرفته است.

این جانب بیش از هـر وقـت دیگـر بـه آینـده تابنـاک و روشـن کشـور و مـردم خـویش خـوش بـین و امیـدوارمی باشـم فکـر مـی کـنم دوران مشـکلات و دشـواری هـای مـردم مـا بـه پایـان خود نزدیک می شـود و ملـت زجـر دیـده و صـبور افغانسـتان بـه صـلح و صـفا و امنیـت آرامـش و رفاه، فاصـله زیـادی نـدارد، خداونـد خیرالناصـرین را سپاس گـذارم کـه بـه مـن و همکـارانم توفیـق عنایـت فرمـود تـا در چوکـات دولـت اسـلامی و جبهه متحد اسـلامی و ملـی افغانسـتان بـار دیگـر مانند دوران پرشـکوه و بـا عظمـت جهـاد در برابـر ارتش سرخ، در امر نجـات وطـن و مـردم خـویش سهم عمده و اساسی داشته باشیم.

درایـن جـا مناسـب مـی دانـم کـه از قهرمانـانی کـه در راه رهـایی ملـت مظلـوم افغانسـتان از چنگـال خـونین کمـونیزم و سـپس تروریـزم شـجاعانه جـان هـای شـیرین شان فـدا کردنـد بـه ویـژه از فرزنـد معنـوی ام قهرمـان ملـی جهـاد و مقاومـت افغانسـتان شـهید انجنیـر احمدشـاه مسـعود و همـه شـهیدان عزیـز دوران جهـاد و مقاومـت بـا احتـرام و حرمـت فـراوان یـادآور شـده و بـه روان پاک همه شان اتحاف دعا نمایم.

مـن وظیفـه خـود مـی دانـم تـا از جامعـه متمـدن جهـانی، سـازمان ملـل متحـد، اتحادیـه اروپـا، سـازمان کنفـرانس اسـلامی و از همـه کشـورهایی کـه ملـت مـا را بـر ضـد کمـونیزم و اخیـراً در هنگـام مبـارزه بـا تروریـزم یـاری کـرده انـد و مـردم مـا را تنهـا نگذاشـته انـد و در هـر دو مرحلـه دشـوار بـا همکـاری هـای سـخاوتمندانه مادی و حمایـت هـای قـاطع معنـوی و سیاسـی و نقـش عمـده یـی در پیـروزی مـا داشـته انـد قلبـا سپاس گزاری نمایم.

یقـین کامـل دارم کـه مـردم حقشـناس افغانستان این کمـک هـای انسـان دوسـتانه آنـان را به دیده قـدر نگریسـته و هرگـز آن را فرامـوش نخواهد کرد.

و اینک در اثـر فـداکاری هـای بیـدریغ مـردم شـریف افغانسـتان و بخصـوص بـه همـت والای سنگر داران سنگر گـرم مبـارزه علیـه پدیـدهٔ شـوم طالـب و همکـاری جامعـهٔ جهـانی صـلح و ثبـات به کشـور مـا بـاز مـی گـردد، و بـر طبـق فیصـله مجلـس عـالی افغـان هـا در بـن، پایتخـت سـابق جمهـوری فـدرال آلمـان حکومـت موقـت بـه رهبـری یکـتن از فرزنـدان مجاهـدین افغـان جناب حامـدکرزی بـا انتقـال آرام و مسـالمت آمیـز امانت قدرت به ایشان شـروع بـه کـا ر مـی نمایـد که یقینـا ایـن پدیـده در جامعـهٔ پرآشـوب مـا طـی چنـدین قـرن اخیرسـابقه نـدارد و آن را بایسـت متمدن ترین شیوهٔ انتقال قدرت خواند.

از خداونـد متعـال اسـتدعا دارم تـا بـه رئـیس ادارهٔ موقت و همکاران شان کـه بـا هـر یـک آنـان آشـنایی دارم و اکثریـت قریـب بـه اتفـاق شـان یـا در سنگر گرم وجـود داشـتند یـا در عقـب جبهـه در خـدمت جهـادگران و مهـاجرین تـلاش مـی ورزیدنـد در خـدمت بـه مـردم زجردیـده و ملـت سوگوار و تشنه بـه صـلح افغانسـتان توفیـق عنایـت فرماید.

اینجانب گرچه در آغـاز کـار اصـرار داشـتم اعضـای ادارهٔ موقـت در پایتخـت کشـور در شـهرکابل تعیـین گردنـد تـا تـاریخ و مـردم در مورد ما حکم نکنـد کـه حکومـت افغـان هـا در خارج از مرزهای شان ساخته شـد امـا بـا توجـه بـه ضـرورت فـوری برگشـت صـلح و علاقمنـدی جامعـهٔ جهـانی، بـه آن راضـی شـدم، آنهـایی کـه انتخـاب شـده انـد، همـه ایشـان فرزنـدان دلسـوز بـه سـرزمین خـویش بوده و همه قصـد خـدمت بـه افغانسـتان عزیـز را دارنـد خداونـد توانـا بـه همـه آنـان در راه خـدمت بـه مـردم و حفـظ راه جهـاد ومقاومـت توفیق عطا فرماید.

بـه ایـن مناسـبت لازم مـی دانـم از همـه کشـورهای و افـرادی کـه در نقـاط مختلـف جهـان بـا افغـان هـا در انجـام ایـن امـر مهـم همکـاری کرده اند و چنین وضـعی را مسـاعد سـاخته انـد بـه خصـوص از رهبـران جمهـوری فـدرال آلمـان شـخص صـدراعظم و وزیـر خارجـهٔ آن کـه بـا شـکیبایی و علاقمنـدی خاصـی در امـر موفقیـت مجلـس افغـان هـا در بـن همکـاری کـرده انـد. از سازمان ملـل متحـد و نقـش کلیـدی آقـای اخضـر ابراهیمـی و همکـارانش از جملـه آقـای فرانسـس وینـدرل و از عمـوم بـرادران عزیـز و هیـأت هـای افغانی کـه در ایـن پروسـه بـا هـم همکـاری کـرده انـد سـپاس گـزاری نمـایم. در اخیـر یـاد آوری مطالب ذیل را ضرور می پندارم.

خـواهران و بـرادران همـوطنم کـه داغ و درد روز گار انـدوهبار توطیـه و تجـاوز را بـا همـه وجـود خـود لمـس کـرده انـد و از جنـگ و آشـوب سـخت رنـج بـرده انـد بـیش از دیگـران بـه ارزش صـلح و صفا ثبات و امنیت درکشور شان علاقمنداند.

فرمانـدهان بـا شـهامت و دلیـر مـردان مجاهـد کشـور کـه بـیش از دو دهـه عمـر عزیزشـان را در سـنگرهای افتخـار آفـرین سـپری نمـوده انـد در حفظ صلح و ثبـات کشـور از اهمیـت خاصـی بهـره مند اسـت، و یقینـا کـه قهرمانـان جهـاد و مقاومـت دیروز، امروز بـه عنـوان قهرمانـان صـلح و ثبـات بـه عرصـهٔ تـاریخ معاصـر کشـور خـویش قـدم خواهنـد گذاشت.

اکنون زمـان آن فرارسـیده اسـت تـا هموطنـان آگاه و بـا فرهنـگ و مـردم صـمیمی و خـوش قلـب افغانسـتان فـارغ از تعصـب و تعبـیض نـژادی، لسـانی و مـذهبی و گروهـی در فضـای پـر از محبـت بـا صـفا و صـمیمیت دسـت در دسـت هـم داده و در سـاختار افغانسـتان نـوین، افغانسـتان مسـتقل، سـربلند و آزاد و آبـاد بـا بکـار گیـری و استفاده معقـول از کمـک هـای جامعـه بـین المللـی در اعمار مجدد وطـن ویـران خـویش بـا هـم یـاری و همکاری نمایند.

دیگر اجـازه ندهنـد کشـور یـک پارچـه و متحـد ما را به نام شمال و جنـوب و ملیـت هـای بـرادر مـا را بـه نـام پشـتون، تاجیـک، هـزاره و ازبـک از هـم جدا سازند، همه بـا هـم بـر مبنـای اخـوت اسـلامی کـه اساسـی تـرین رمـز و راز اتحـاد ملـت ماسـت و براسـاس وحـدت ملـی، مشـترکات فرهنگـی، افتخـارات مشـترک تـاریخی بـه عنـوان یـک ملـت واحـد، آزاد و سـرافراز مرحلـه جدیـدی از تـاریخ حیات اسلامی و ملی خویش را آغاز نمائیم.

از همـه دانشـمندان وطندوسـت و روشـنفکر آگـاه کشـور کـه بـه حکـم شـرایط نـا مسـاعد در میهن عزیزشـان آواره و مهـاجر شـده انـد، صـمیمانه می خـواهم اینـک کـه زمـان آن فـرا رسـیده اسـت کـه بـه آغـوش مـادر وطـن برگشـته و در بازسـازی آن فعالانـه سـهم بگیرنـد، بـدون تـاخیر بـه مـیهن برگردنـد چـه فززنـدان دلسـوز افغانسـتان خواهنـد بـود کـه بـا عشـق و ایمـان در شـکوفایی و اعمـار وطـن شـان نقـش تعیـین کننـده را اداء خواهنـد نمـود. از همـه همسـایگان افغانسـتان مـی حـواهم فصـل جدیـدی را در مناسـبات شـان بـا کشـور مـا آغـاز نماینـد، از آنهـایی کـه در دوران رنـج و محنت بر جراحات ملت مـا مـرهم گذاشـته و بـا مـا یـاری و همکـاری مـادی و معنـوی و انسـانی نمـوده انـد، بـی نهایـت سـپاس گـزارم و آن هـایی کـه روی هـر انگیـزه بـر مـا جفـا روا داشـته انـد گذشـته هـا را فرامـوش و صـفحه جدیـدی از مناسبات و همکاری را آغاز نمایند.

از عمـوم کشـورهای منطقـه و جامعـهٔ بـین المللـی تقاضـا دارم بعـد از ایـن اجـازه ندهنـد در امـورداخلی و سرنوشـت مـردم کشـور مـا تحـت هیچ نام و عنوانی مداخله صورت بگیرد.

چه همـه بـه ایـن حقیقـت تلـخ آگـاهی دارنـد که عامل اساسی رنـج هـای بـی پایـان ملـت مـا و دغدغه هـای انـدوهبار جامعـهٔ جهـانی درایـن ایـام، هماناً مداخلـه هـای ظالمانـه در امـور کشـورما بـود، مگـر طالبـان و لانـه هـای تروریسـتی در سـرزمین ما جـز پیامـد و سـوغات همـین مـداخلات بیرونـی عاملی دیگری دارد؟

امیـدوارم کشـورهای علاقمنـد بـه صـلح و ثبـات و اسـتحکام حکومـت مرکـزی توجـه جـدی خـویش را معطـوف نماینـد و از برقـراری روابـط مستقل حکومت مرکـزی و گـروه هـایی کـه باعـث بی ثباتی حکومت مرکزی گردد، اجتناب ورزند.

جهـان بـه ارادهٔ ملـی مـردم افغانسـتان در تشـکیل نظـام و زعامـت سیاسـی شـان احتـرام نمایـد و مطـابق ذوق و سـلیقه هـای بخصـوص هیچ جهتـی، فـرد و یـا گـروه و سیسـتم خاصـی را بر مردم ما تحمل نه نماید.

اکنون کـه دوران بازسازی شـروع شـده اسـت توجـهٔ ادارهٔ موقـت و بـه خصـوص توجـهٔ رئـیس محتـرم و موسسـات ذیعلاقـه جامعـهٔ جهـانی را بـه تعیـین سرنوشـت آنعـده فرزنـدان جهـاد و مقاومـت افغانستان جلب نمـایم کـه رهـایی و نجـات کشـور محصـول قربـانی و فـداکاری آنـان اسـت، بایـد بـه خـانواده شـهدای عزیـز جهـاد و مقاومـت و معلـولین انقـلاب توجـه جـدی مبـذول گـردد و جایگاه جهـاد گـران عزیـز در چوکـات اردوی ملـی افغانستان از همین حالا معین گردد.

مـن امیـد واثـق دارم کـه انشـاء الله در پنـاه لطـف خداونـد منـان ملـت کبیـر و پرافتخـار افغان در شـاهراه ترقـی گـام خواهنـد گذاشـت و مـدارج پیشـرفت و رفـاه و آزادی فـردی و اجتمـاعی را در چوکـات ارزش هـای والای دیـن مبـین اسـلام کـه حـامی حقـوق، عـزت وکرامـت انسـان و پیشـتبان علـم و معرفـت است، و بر مبنـای عنعنـه هـای پسـندیده ملـی و بـا اسـتفاده از دانـش و تمـدن جهـانی طـی خواهدکرد.

مـن و یـاران همسـنگرم کـه دیـروز در راه دفـاع از تـاریخ و فرهنـگ اسـتقلال و آزادی کشـور در سـنگر جهـاد و مقاومـت مسلح قـرار داشـتیم، اکنـون همـراه بـا سـایر فرزنـدان آگـاه دلسـوز ملـت در بسـیج ملـی بـه منظـور وارد شـدن بـه مرحلـه نـوین از حیـات سیاسـی و اجتمـاعی مـردم کشـورکمر همـت بسـته در جبهـه وسـیع و فراگیـری بـه کـار خـویش در عرصهٔ فرهنگی و سیاسـی آن ادامـه مـی دهـیم، و در اسـتحکام ادارهٔ موقـت، تقویـت صـلح و ثبـات در کشـور از هـیچ تـلاش سـازنده یـی در راه پیـاده شـدن اهـداف جهـاد و آرمـان شـهدای عزیز دریغ نخواهم کرد.

یکبـار دیگـر از مهمانـان عـالی قـدر و عزیـز افغـانی و غیـر افغـانی کـه بـا حضورشـان بـه شکوهمندی این جلسه افزودند، تشکر می کنم.

به امید افغانستان مستقل، آزاد، آباد و سرافراز

قرارداد همکاری های امنیتی و دفاعی میان جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا

ماده بیست و یکم
اسعار و تبادله آن

طرفین توافق میکنند تا طرزالعمل های را برای تنظیم امور مربوط به اسعار و تبادله آن ترتیب دهند. طرفین این طرزالعمل ها را برحسب ضرورت مورد بازنگری و نوسازی قرارداده و به مسایل ناشی از تطبیق این طرزالعمل ها به اسرع وقت از طریق کمیسیون مشترک رسیدگی میکنند.

ماده بیست و دوم
دعاوی

۰۱ هر یک از دو طرف از هر گونه دعوا (به استثنای دعاوی ناشی از تطبیق قرارداد) علیه یکدیگر مبنی بر وارد شدن خساره، ضایع شدن و یا تخریب دارائی یا جراحت یا فوت اعضای نیروهای ایالات متحده یا نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغان و بخش های ملکی این نیروها که حین وظیفه رسمی واقع میشود، انصراف میکنند.

۰۲ برای دعاوی که طبق فقره ۱ این ماده استثنا قرار نمی گیرند، مقامات ذیصلاح نیروهای ایالات متحده مکلف به پرداخت جبران خساره عادلانه و مناسب برای حل دعاوی برحق شخص ثالث ناشی از عملکرد و یا غفلت وظیفوی پرسونل نظامی و بخش ملکی آن حین انجام وظیفه رسمی ونیز دعاوی ناشی از حادثه ای مربوط به فعالیت های غیرمحاربوی نیروهای ایالات متحده، می باشند. این گونه دعاوی از جانب مقامات نیروهای ایالات متحده طبق قوانین و مقررات ایالات متحده و با رعایت کامل قوانین، سنن و عنعنات افغانستان، طی مراحل و فیصله می گردد.

۰۳ مسئولین نیروهای ایالات متحده هرگونه گزارش مبنی بر تحقیقات و پیشنهاداتی را که مقامات افغانستان در مورد مسئولیت مدنی یا میزان جبران خسارات وارده به منظور حل دعاوی شخص ثالث تهیه کرده است، در نظر میگیرند.

۰۴ حل و فصل و یا رسیدگی به دعاوی مربوط به قراردادها باید طبق شرایط مندرج خود قرارداد ها صورت گیرد.

۰۵ بر حسب درخواست یکی از دو طرف، مسایل ناشی از تطبیق این ماده باید توسط طرفین به اسرع وقت و از طریق کمیسیون مشترک مورد بررسی و مشورت قرار گیرد.

ماده بیست و سوم
ضمایم

تمامی ضمایم مربوط به این قرارداد جز جدا ناپذیر آن محسوب شده و می تواند با توافق کتبی طرفین تعدیل گردند.

ماده بیست و چهارم
اختلاف نظر و تطبیق قرارداد

۰۱ هرگونه اختلاف نظر و یا منازعه در خصوص تفسیر و تطبیق این قرارداد باید از سوی افراد با صلاحیت از طریق مشورت میان طرفین حل گردیده و نباید به هیچ گونه دادگاه ملی یا بین المللی، دیوان محاکمات و یا نهاد مشابه و یا طرف ثالث به منظور حلو فصل ارجاع گردد.

۰۲ طرفین یا نماینده های اجرایی آنها میتوانند از طریق کمیسیون مشترک روی اتخاذ تدابیر اجرایی و طرزالعمل های مربوط به تطبیق احکام مندرج این قرارداد، توافق کنند.

۰۳همکاری ها در چارچوب این قرارداد تابع قوانین و مقررات نافذه کشورهای متبوع طرفین بشمول قوانین تخصیص بودجه شان می باشد.

مسئولین نیروهای ایالات متحده در مقابل خدمات و اموالی که تقاضا و دریافت میکنند قیمت مناسب و مطابق بازار را بدون مالیات می پردازند.

ماده بیست و پنجم
کمیسیون مشترک

۰۱ طرفین بدینوسیله کمیسیون مشترکی را برای نظارت از تطبیق این قرارداد، ایجاد می کنند. این کمیسیون از جانب نماینده های اجرائی دو کشور مشترکاً ریاست می شود. در ترکیب این کمیسیون نماینده های سایر نهادهای حکومتی نیز می توانند به پیشنهاد مسئولین اجرائی و تائید طرفین منصوب شوند.

۰۲ کمیسیون مشترک بر حسب ضرورت باید طرزالعمل کاری خویش را ایجاد کرده و ادارات کمکی مانند گروه های کاری و خدمات اداری را ایجاد کند. هر نماینده اجرائی مسئول پرداخت مصارف مربوط به اشتراک خویش در کمیسیون می باشد.

۰۳ کمیسیون مشترک وظیفه دارد تا اطلاعات را بر حسب ضرورت با گروه کاری همکاری های امنیتی و دفاعی که طبق موافقتنامه همکاری های استراتیژیک ایجاد شده است، هماهنگ نموده و در میان گذارد.

ماده بیست و ششم
انفاذ، تعدیل و فسخ قرارداد

این قرارداد از تاریخ اول جنوری ۲۰۱۵ میلادی پس از آن نافذ میگردد که طرفین از مجاری دیپلوماتیک در مورد تکمیل شرایط قانون گذاری داخلی شان که برای انفاذ این قرارداد لازم می باشد، به یکدیگر اطلاع بدهند. این قرارداد الی اخیر سال ۲۰۲۴ میلادی و فراتر از آن نافذ می باشد، مگر اینکه به تاسی از حکم فقره ۴ این ماده ملغی گردد.

بعد از انفاذ، این قرارداد جایگزین یاداشت های متبادل ۲۶ سپتمبر ۲۰۰۲، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ و ۲۸ می ۲۰۰۳ مبنی بر چگونگی حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در افغانستان می گردد. این قرارداد هم چنان تمامی توافقات و تفاهمات مغایر احکام این قرارداد را که درگذشته میان طرفین با تبادل یادداشت های دیپلوماتیک صورت گرفته است، ملغی قرار میدهد.

این قرارداد میتواند با توافق کتبی طرفین از طریق تبادل یادداشت دیپلوماتیک تعدیل گردد.

این قرارداد می تواند با توافق کتبی طرفین و یا توسط هریک از دو طرف با ارائه اطلاعیه کتبی دوسال قبل به طرف دیگر از طریق مجاری دیپلوماتیک فسخ گردد. فسخ ضمایم و یا تدابیر اجرایی این قرارداد نمی تواند باعث فسخ این قرارداد شود. اما، فسخ این قرارداد میتواند مطابق این فقره منتج به فسخ تمامی ضمایم و تدابیر اجرایی آن گردد.

به این ترتیب، ذیلاً نماینده های با صلاحیت هر دو دولت این قرارداد را امضا کرده اند.

این موافقت نامه در روز........ ماه نومبر سال ۲۰۱۳ در سه نسخه به زبان های انگلیسی، دری و پشتو که هر کدام دارای اعتبار مساوی می باشد، به امضا رسیده است.

از جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان

از جانب ایالات متحده امریکا

ضمیمه الف

فهرست ساحات و تأسیساتی که توسط افغانستان برای دسترسی و استفاده نیرو های ایالات متحده در افغانستان در نظر گرفته شده است. (ساحات و تأسیسات مورد توافق)

کابل، بگرام، مزارشریف، هرات، قندهار، شوراب (هلمند)، گردیز، جلال آباد، شیندند.

تأسیسات و ساحات توافق شده همچنان شامل تأسیسات و ساحاتی می شود که ممکن الی تاریخ آغاز انفاذ این قرارداد از جانب ایالات متحده امریکا استفاده شوند و یا هم شامل آن تعداد از تأسیسات و ساحاتی در مناطق دیگر افغانستان می شود که ممکن در آینده روی آن توافق شده واز جانب وزیر دفاع افغانستان اجازه داده شود.

ضمیمه ب

نقاط رسمی ورود و خروج، میدان هوایی بگرام، میدان هوایی بین المللی کابل، میدان هوایی قندهار، میدان هوایی شیندند، میدان هوایی بین المللی هرات، میدان هوایی مزار شریف، شوراب (هلمند)

بنادر زمینی:

تورخم، ولایت ننگرهار، سپین بولدک ولایت قندهار، تورغندی، ولایت هرات، حیرتان، ولایت بلخ، شیرخان بندر، ولایت کندز

همچنان سایر نقاط رسمی ورود و خروج که ممکن در آینده از جانب طرفین روی آن توافق صورت گیرد. پایان

اکت های غیر مترادف...

نمایندگان مجلس سنا، حزب جبههٔ نجات ملی، برخی کاندیدان ریاست جمهوری، از رئیس جمهور خواسته اندکه این پیمان را به امضا برساند.

صبغت الله مجددی که رئیس لویه جرگهٔ مشورتی نیز بود، در مراسم اختتامیهٔ آن جلسه به حامد کرزی هشدار داده بود، اگر توافقنامهٔ امنیتی با امریکا را امضا نکند، او مجبور خواهد شد در پایان عمر از افغانستان "هجرت" کند. او طبق گفته هایش سه روز بعد از این اظهارات اقدام به مهاجرت کرد و هنوز در دنمارک به سر می برد. اما ذبیح الله مجددی فرزند صبغت الله می مجددی می گوید که باید حامد کرزی رئیس جمهور احترام به موضع شورای ملی، احزاب سیاسی، جامعهٔ مدنی، نتایج نظرسنجی‌ها، اظهارات غیر رسمی تعدادی از اعضای کابینه، شخصیت‌های روحانی و سیاسی از جمله پدرم و بالآخره قطعنامه لویهٔ جرگهٔ مشورتی، ارج گذاشته و هر چه زودتر قرارداد امنیتی افغانستان و امریکا را امضا و نگرانی ملت را مرفوع کند.

رئیس جمهوری افغانستان اخیراً در گفتگویی با روزنامه فرانسوی لوموند گفته بود که آمریکا مانند یک "قدرت استعماری" برخورد می‌کند و او را تحت فشار قرار می دهد تا این قرارداد را امضا کند. اما ذبیح الله مجددی منشی حزب جبههٔ نجات ملی در کنفرانس مطبوعاتی روز سه شنبه تاریخ ۲۵ قوس اظهار نمود که آقای کرزی آن چه به روز نامهٔ لوموند گفته است بهانهٔ بیش نیست و افزود که رئیس جمهوری قصد دارد تیمش بر سر قدرت برای سالیان متمادی باقی بماند.

از سوی دیگر دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا طی سفر اخیرش به هلمند گفته است که ماموریت نیروهای این کشور در افغانستان "با موفقیت انجام شده" و اکنون، زمان بازگشتن آنها به خانه است. آقای کامرون این سخنان را در جریان بازدید از پایگاه نظامی نیروهای بریتانیایی در هلمند بیان داشته است. وی همچنان گفته است که امضای توافق نامه امنیتی بین افغانستان و امریکا می تواند خلای امنیتی را پر نموده و حضور نیروهای خارجی را که نقش جنگی شان به نقش آموزش دهی تقلیل می یابد قانونمند سازد. در همین حال، آسترالیا واحدهای نظامی خود را که در ولایت ارزگان مستقر بودند روز سه شنبه خارج نمود و تعداد محدودی از این نیروها در میدان هوایی قندهار و کابل به منظور آموزش نیروهای افغانستان باقی خواهند ماند. عدم امضای توافق نامهٔ امنیتی از سوی رئیس جمهور، انتقال مسوولیت های امنیتی، انتقال قدرت سیاسی در بهار سال آینده، سفربری نیروهای خارجی از کشور، فشارهای همسایه ها، افزایش حملات طالبان بالای نیروهای امنیتی کشور، اقتصاد نیم بند و وابسته به کمک نیروهای خارجی،... از مسایل بغرنج و پیچیدهٔ اندکه ذهن هر شهروند این کشور را در این روزها به خود مشغول ساخته است. نگرانی مردم از آن جا ناشی می شود که مسایل یاد شده مستقیماً در گرو قدرت ملی مبتنی بر نهاد های ملی بهینه بستگی دارد. در شرایط که ما از قدرت ملی آنچنانی برخوردار نیستم و همه مسایل از بیرون وارد می شود چگونه تمثیل آماتورانه منجر به منافع ملی شود؟

این که با این وضعیت ما چه می توانیم مستقلانه انجام دهیم؟ و اکت های غیر مترادف را در دنیای خود مان، بدون ظرفیت های کلان ملی که در واقع قدرت ملی از آن ها می تراود، انجام می دهیم، ما را به کدام سمت و سو می برد، خدا می داند!

برادرم! راه تو رنگین ...

چرا ما به انسان نگوییم که ما جان به فنا می‌دهیم، تا زنده شما باشید؟

چرا به انسان این باور را ندهیم که ما برهنه‌پایان، در فروغ مشعل توفیق انسان ساختیم؟

آخر انسان نمی‌داند که ما به جرم سرنسایدن بر آستان طاغوت، به چنین حال و احوالیم؟

مگر انسان غافل از این است که؛ با بعثت رسول ما:

انقلابی در زمین و آسمان آمد پدید
لرزشی بر پیکر کون ومکان آمد پدید

مگر او نمی‌داند که:

بَعدِ عُمری در ضمیر مردهٔ نوع بشر
اضطراب سوزش و شور تکان آمد پدید

مگر انسان می‌تواند فراموش کند که زادن ما مرگ دنیای کهن بود؟ پس چرا ما انسان را بدین باور نرسانیم که احیای ما هم- چون زادن ما- مرگ دنیای کهنِ امروز است، دنیایی که به انسان رحمی ندارد، دنیایی که مشتی از مافیا و مشتی از کمیته‌ها بر سرنوشت او حاکم است، دنیایی که گرگان در آن، هر دمی گوسپندان را می‌درد، دنیایی که گسیختگی در اندیشه و روان انسانش پدیدار است، دنیایی که انسانش به امید آنکه روزی به آرامشی دست یابد، اندک وبسیارش را فروخت؛ ولی کور شود که لحظه‌ای آرمیده باشد، دنیایی که جز دریدن، دوختن بلد نیست، دنیایی که برخی پیرش بی‌حیا و نوجوانش مشغول تن است، دنیایی که خالی به کنج لبی و یا طره مشک فامی، هست‌وبود جوانش را به زمین می‌افگند، دنیایی که تن در آن، بر روح می‌چربد و حتی حکایت روح!! در آن، خود حکایت از عقب‌ماندگی دارد، دنیایی که در آن، فرومایگی را عزت و مسخ شخصیت را نوگرایی دانند، دنیایی که در آن، از شادمانی روح خبری نیست و طبیعت هم در نظر انسانش سرگشته و حیرانی بیش نیست، دنیایی که هنوز انسان اندر آن، غلام است، دنیایی که نظامش خام و کارش ناتمام است

پس، احیای ما را، انسان و حیات و هستی می‌طلبد، پس ما حتما می‌آییم، آری هرچند راه ما رنگین است؛ ولی روزی به مقتضای عقل و زندگی به میدان خواهیم آمد، هر چند از ما شهید گرفتند و بدترین عذاب را به ما چشاندند؛ اما جهان به انتظار آمدن ما، حتماً می‌پاید، پس برادرم! توهم- به‌سان برادرانت- بپای که حتماً:

یک‌روز پرتو زحقیقت دمیدنی‌ست
وین ظلمت عظیم زدنیا زدودنی‌ست

د ژمي په درشل کې

د حکومت او ((طبیعي پېښو سره د مبارزې ادارې)) مسوولیتونه

رفیق بحر

طبیعي پېښې لکه چې له نوم څخه یې ظاهره ده، په ټوله معنا یې مخنیوی یې د انسان په وس کې نه اوسي خو انسان د یو با شعوره او عقل لرونکي موجود په توګه دا مکلفیت لري چې د خپل ځان او چاپېریال ساتنه وکړي او په وقایوي تدابیرو سره ځان له هلاکت څخه وژغوري.

چې په همدې منظور په دولتي ادارو کې (انسانان د مدني الطبع مخلوق صفت لرنې په بنیاد د نورو ټولنیزو خدماتو د ترسره کولو او د انسانانو د اړتیا وو د پوره کولو په نیت) ګڼو شتو ادارو ترڅنګه یوه هم د طبیعي پېښو سره د مبارزې ادارې په نوم اداره ده، چې د کال د موسمونو او جغرافیوي پرېوتونو (موقعیتونو) سره سم د مترقبه پېښو په وړاندې وقایوي تدابیر نیسي او هم د پېښو د رامینځته کېدو پر مهال لازمې مرستې زیانونو لیدونکو سیمو او خلکو ته رسوي او پدې اړه خپل وظیفوي مسؤولیت اداء کوي، څو د ځاني او مالي زیانونو کچه کمه او هېواد له بحران څخه وژغورل شي.

افغانستان چې یو غرنی او ګڼ موسمي موقعیتونه لرونکی هېواد دی، تل د زلزلو، بادونو، سیلابونو او غیر مترقبه ورښتونو سره مخ کیږي چې د درې نیمو لسیزو په دوران کې د پرله پسې جګړو له امله پکې د راپېښو شوو هجرتونو او بې ځایې کېدو پېښې ډېرې رامینځته شوې دي او له همدې امله پکې ډېر ځلې د رغاونې او بیا جوړونې تصمیمونه هم په عجولانه توګه نیول کیږي؛ کله پدغه هېواد کې په سیندونو او هغو خوړ ځایونو کې کورونه آبادیږي چې د موسمي ورښتونو د توپیر لامله خلکو ته د آبادۍ جوړولو جوګه ځایونه ښکاري او ډېر ځلې د زمکو او ملکي او دولتي شتمنیو د غلا کولو او پکې په بیړه د ښارګوټو جوړولو پروژې لکه د شپې د ډاکې د عملیې په څېر پیلیږي خو بیا وروسته عقل سرته راځي چې پدې ځایونو کې له یوې خوا دغه آبادي او کورونه له سیلابونو خوندي ندي او له بلې خوا له پخوا څخه د آباد شوو ځایونو او ښارګوټو په لورې د سیلابونو د مخې ګرځولو لامل ګرځي؛ ځکه هغه اوبه چې پدې خوړ ځایونو کې د ورښتونو پر مهال د سیلابونو په توګه بهیدلې اوس ددغو ځایونو د نسبي ډکون لامله یې مخه نورو ځایونو ته ګرځېدلې، چې هلته ښایي له پخوا څخه په سلګونو او زرګونو کورونه شتون ولري او پدې ترتیب طبیعي پېښې رامینځته شي.

همدارنګه زمونږ ډېرې لویې لیارې د غرونو په غاړو او یا د سیندونو او غرونو په مینځ کې غځېدلې دي لکه د کابل – جلال آباد لویه لار او داسې نورې ډېرې لیارې، لکه په بدخشان، کنړ، لغمان، نورستان، پکتیا او نورو ډېرو ولایتونو کې؛ چې ډېر ځلې دغه لیارې د موسمي ورښتونو لامله بندیږي او کله کله هم پدې لیارو کې غټ غټ ګټونه پداسې حال کې رالویږي چې موټرې او نقلیه وسایل هم ورلاندې کیږي.

او یا هم د ښاري پلان او آبادیو د اصولو په نظر کې نه نیولو لامله ډېر ځله داسې لوړ پوړي بلاکونه او وداني جوړیږي چې د زلزلو پر مهال ښایي د ډېرو پېښو او انساني او مالي زیانونه لرونکي وګرځي؛ چې پدې اړه هم مسوولیت بیا یوازې د طبیعي پېښو سره د مبارزې ادارې په غاړه لویږي، پداسې حال کې چې د عام ګټو (فواید عامې) له وزارت څخه نیولې، د کرهنې او مالدارۍ، ښارجوړونې، برېښنا او مخابراتو، کورنیو چارو او... پورې ټولې ادارې پدې اړه مسؤولیت لري چې هر پلان او کړنه د طبیعي پېښو په نظر کې نیولو له مخې ترسره کړي، څو کومه کړنه یې د طبیعي پېښو د رامینځته کېدو لامل نشي، لکه د مثال په توګه د برېښنا مزي او ستنې او هم د ټیلفونونو ستنې او د سړکونو غزولو او څارلو پروسې باید داسې ترسره شي چې په راتلونکي کې پېښې رامینځته نکړي.

چې پدې لړ کې د لویو لیارو دایمي څارنه ځانګړې اهمیت لري؛ ځکه د غرونو په غاړو کې د غزېدلو لیارو په اوږدو کې د وخت په تېرېدو سره کله ویستل شوي تونلونه او خوړ ځایونه بند شوي وي، چې صفایي ته اړتیا لري او کله ډېر ځلې غټې ډبرې او تیږې کاواکه شوي وي او د لږ ورښت سره هم په نابېره توګه په سړکونو رالویږي چې پېښې رامینځته کوي او بیا یې لامله نه یوازې دا چې مالي او ځاني تلفات رامینځته کیږي بلکې لیارې هم بندیږي او په نتیجه کې یې سفرونه اوږدیږي.

نو باید چې دولت د داسې څارنو لپاره هم فکر وکړي او که اړتیا اوسي ورته اداري جوړې کړي او په ډېرو لیارو کې د سړک سیند غاړو ته اوچت شوي دیوالونه (چې ځانګړې ارزښت لري او د ترافیکي پېښو پر مهال د موټرونو ښکته ځایونو ته د لویدنې مانع ګرځي) هغه هم نړېدلي. لکه چې د جلال آباد او کابل په مزدحمه لیار کې دا ډېر لیدل کیږي؛ باید دولت او د طبیعي پېښو سره د مبارزې اداره د ټولو وړاندې شوو صورتونو په نظر کې نیولو سره خپل مسوولیتونه ترسره کړي.

ماندلا

اسطورهٔ آزادی و مصالحهٔ ملی

کوهی

ماندلا یکی از شخصیت های تاثیر گذار در جهان است که از طریق مدنی کشورش را از اپارتاتد و تعصب نژادی که بدترین نوع استبداد در قرن بیست بود، نجات داد. وی اپارتاید را از میان برداشت و جامعهٔ آزاد و دموکرات را در افریقای جنوبی به وجود آورد. ماندلا رهبر کنگره حزب ملی افریقا بود که در نتیجهٔ مبارزه با ستم و استبداد سیاه پوستان ۲۷ سال را در زندان سپری نمود و نظر به فشار های بین المللی و جنبش صلح در جهان، مبارزه وی را بر حق خواندند و در جهت آزادی وی تلاش نمودند، تا اینکه این شخصیت مبارز از زندان رها گردید و رژیم اپارتاد مجبور گردید تا با حزب کنگرهٔ ملی که ماندلا در راس آن قرار داشت وارد مذاکره گردد، و در نتیجهٔ انتخابات در افریقای جنوبی بعد از کشتار های فراوان سیاه پوستان از سوی رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی، در سال ۱۹۹۴م برگزار گردید و حزب کنگرهٔ ملی ۶۲ درصد آرا را به خود اختصاص داد.

وی بعد از پیروزی در انتخابات دشمنان دیروزش را به همکاری در حکومت فرا خواند و از جمله فرید ریک، دو کل ریک، مانگوستو بوتلزی را به ترتیب به عنوان معاونان خویش برگزید و او همه کارمندان سفید پوست را در پوست های شان حفظ کرد و راه مصالحه را در پیش گرفت، او شعار داد (برای صلح از بخشیدن نترسید). وی برای همین شعار در مسابقات جام جهانی راگبی در سال ۱۹۹۵م لباس تیم اسپرنک بوک را بر تن کرد و به تیم سفید پوستان که متهم به نژاد پرستی بودند، مدال پیروزی را به کپیتان آن سپرد. او بعد از ریاست جمهوری خویش چنان حرکات و اعمال را در خود بروز داد که به عنوان قهرمان سازش ملی تبدیل گردید. او در ۵ سال ریاست جمهوری خویش نظام آشفتهٔ افریقای جنوبی را سر و سامان بخشید، کمک به بازنشستگان، معلولین و کودکان فقیر و یتیم از مهم ترین اقدامات ماندلا بود.

او در برابر مبارزه با مرض ایدز فعالیت های زیادی انجام داد و خدمات پزشکی را برای زنان و کودکان رایگان اعلان نمود و برای روستا نشینان جاده های اسفلت شده و برای خانوار های فقیر مسکن را تدارک دید. او یکی از مبارزین علیه بی عدالتی در جهان است. او مرد شجاع و با اراده بود که در شرایط دشوار تصمیم های مهم را اتخاذ می کرد. هیچ یک از رهبران جهان به اندازهٔ ماندلا مورد تائید جهانیان قرار نداشته است. در مراسم یادبود ماندلا رهبران ۵۹ کشور اشتراک ورزیده بودند و سه رئیس جمهور اسبق امریکا به شمول اوباما در این یادبود حضور به هم رسانیدند.

به مناسبت درگذشت این قهرمان ملی، شخصیت های بزرگ جهان به شمول سرمنشی ملل متحد از وی به مثابهٔ یک انسان آزادی خواه نام بردند و اظهار داشتند که جهان یک اسطورهٔ آزادی خود را از دست داده است. باید گفت که در نتیجهٔ مذاکرات کنگرهٔ افریقای جنوبی، اپارتاید منجر به سقوط گردید و برخرابه های آن حکومت عدل و دموکراسی به وجود آمد. باید گفت که افریقای جنوبی دارای ۵۹ میلیون جمعیت می باشد که ۸۰ درصد آن سیاه پوست و ۲۰ درصد آن سفید پوست می باشد. افریقای جنوبی در زمان حکومت اپارتاید در زیر خط فقر زنده گی می نمودند و ارواح خبیثه که همان دست استبداد بود این کشور را به حالت فقر و مسکنت نگاه داشته بود. امروز این نگرانی وجود دارد که مبادا پس از درگذشت این اسطورهٔ آزادی و مصالحهٔ ملی، بار دیگر این ارواح خبیثه دست از آستین بیرون آرد و دغدغه های سیاسی را بار دیگر به تجربه گیرد.

در مرگ ماندلا تعدادی از بیرق های کشور های اروپایی برای چند روز نیمه افراشته بود. امروز ماندلا باید سرمشق برای کشور های ستم پیشه و خود کامه باید قرار گیرد. او مرد انتقام و خونریزی نبود و همواره در جهت صلح فکر می کرد. کشور افریقای جنوبی بین سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰م تحت وضعیت فوق العاده قرار داشت، این کشور جنگ های داخلی سختی را پشت سر گذاشته است. در سال های دههٔ ۱۹۹۰م پولیس رژیم اپارتد دست به کشتار های زیادی از اعضای حزب کنگره ملی افریقا زد؛ اما پس از پیروزی ماندلا در نتیجهٔ انتخابات و تحویل قدرت از سیاه پوستان، ماندلا چنین می گفت (اگر خدا می بخشد، من کی هستم که نبخشم) در کشور های که گروه های متخاصم به حالت جنگ به سر می برند، باید با این شیوه که ماندلا به پیش گرفته بود، عفو، تحمل و شکیبایی را پیشه خود سازند و در یک فضای مسالمت آمیز به تقسیم قدرت بپردازند؛ زیرا نتیجهٔ هر جنگ و کشمکش همانا تفاهم و یک دیگر پزیری است. دیگر حکومت های تمامیت خواه و انحصار طلب در جهان وجود ندارد، بدون شک دور و یا نزدیک این راه مسالمت آمیز در این کشور ها عملی خواهد بود. پیش از آنکه جنگ و خونریزی بنیاد و هستی کشور ها را از بین بردارد، باید چنین راه و روش را پیش گرفت.

امروز بسیاری از خرابی ها در کشور های جهان سوم عدم تحمل پذیری میان فرقه ها و گروه های سیاسی است. حذف یک چنین گروه ها در هیکل سیاسی کشور ها کار دشوار خواهد بود. امروز در جهان یک نگرش و عقلانیت جدید وجود دارد، نمی شود با همه چیز از زبان تفنگ و زور سخن گفت. در صورت تداوم جنگ و عدم تحمل پزیری حقوق بشر و حیات مدنی انسان ها که از جمله حقوق اساسی هر شهروند است از میان خواهد رفت. در چنین محیطی حقوقی اساسی زیاد شهروندان، از جمله: توسعه و انکشاف کشور ها، آموزش و پرورش و حیات مسالمت آمیز مورد هجوم قرار خواهد گرفت و کشورها از انکشاف باز خواهند ماند.

نژاد پرستي د انساني نفس یوه ناروغي ده

◇ شفیق

د جنوبي افریقا تورپوستی ولسمشر «نلسن منډېلا» چې په شلمه پیړۍ کې ددغه هیواد د واکمن نژاد پرست رژیم پر خلاف د اوږدې مودې مبارزې تاریخ لري، تیره اونۍ یې په (جهانسبورگ) کې له دنیا سترگې پټې کړې. د شلمې پیړۍ دغه تورپوستي لاربنود د نه تشدد د سیاست د یو لاروي په توگه په جنوبي افریقا کې د سپین پوستو څخه د تورپوستو وگړو د حقونو لاسته راوړلو لپاره څو لسیزې مبارزه کړې وه او بالآخره د خپلې مبارزې او داعیې د حقانیت لامله تر واکه هم رسیدلی وو.

د نوموړي د مړینې په مناسبت د نړۍ گڼو مشرانو خپل تأثرات څرگند کړل او د هغه د وروستي احترام په منظور جهانسبورگ ته ولاړل او هغه ته یې د قدر د مراتبو د وړاندې کولو لپاره په هغه ستره غونډه کې گډون وکړ چې د جنوبي افریقا په پایتخت جهانسبورگ کې جوړه شوې وه؛ پدې مشرانو کې له نورو سربیره د ملگرو ملتونو سرمنشي بانکي مون، د امریکا ولمشر اوباما او افغان ولسمشر حامد کرزی هم شامل وو، چې د منډېلا کونډې، لور او د جنوبي افریقا ولس سره یې غمرازي وکړه.

نژاد پرستي د انساني نفس یوه ناروغي ده او څوا کمن نژادونه تل په دغه ناروغۍ اخته وي؛ په یوویشتمه پیړۍ کې ژوند کوونکو انساني ټولنو تر اوسه هم لدغې ناروغۍ څخه په پوره توگه خلاصون ندی موندلی او د هغې ثبوت د لویدیځې اروپا په گڼو هیوادونو، لکه: انگلستان، فرانسې، آلمان، هسپانیې او ایټالیا او په روسیه کې د هغو گوندونو په یوویشتمه پیړۍ کې هم واک ته رسیدل دي چې د نژادي توپیر او لوړتیا غوښتنو لامله د تورپوستو وگړو اروپايي هیوادونو ته کډه اخیستل نا قانونه گڼي او دغه مفکوره د خپل سیاست یوه برخه گڼي؛ امریکا چې په خپل تاریخ کې یې د لومړي ځل لپاره یو تورپوستی ولسمشر (اوباما) د واک په گدۍ منلی، دا هم د امریکا د حق پرستۍ بیلگه او ثبوت ندی؛ بلکې د ددې پیړۍ له آغاز سره سم په اسلامي نړۍ کې د امریکا پوځي حضور او د ترهگرۍ(؟) پر خلاف د روانې کړې جگړې غوښتنه وه، چې امریکایان تور پوستی ولسمشر ومني. ورنه د شلمې پیړۍ په وروستۍ ربع (څلورمه) کې هم، د امریکا په گڼو آیالتونو او ځانگړې توگه (لاس انجلس) کې د تور پوستو بد حالت او د نا امنۍ او گډوډیو پیښې، په امریکا کې هم د نژاد پرستۍ د شتون غمازي کوله.

مگر یوازې اسلامي نړۍ او د اسلام د سپیڅلي دین زرینې لارښوونې دي چې نژاد پرستي یې له مینځه وړې ده؛ اسلام د نژاد پرستۍ بنیادونه لا هغه وخت نړولی وو چې لویدیځ لا په هغه وخت کې ښځه هم، د نارینه سره برابر مخلوق نه گاڼه.

اسلام د قوم پرستۍ او نژاد پرستۍ بلنې له اسلام څخه د وتلو مترادف گڼي؛ پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمایي: زمونږ څخه ندی هغه څوک چې عصبیت (نژاد او قوم پرستۍ) ته بلنه ورکوي. او مسلمانانو ته حکم کوي چې نژاد پرستي او قوم پرستي پریږدي؛ ځکه دغه روحیه مرداري ده؛ دابوداوود په یو حدیث کې راځي: څوک چې د نژاد او قوم پرستۍ په ناروغۍ مبتلا ومري هغه له مونږ څخه ندی.

د نژادي توپیر او لوړتیا غوښتنو پر خلاف د اسلام مفکوره یو خالي دعوی نده؛ بلکې اسلام ددې عملي ثبوت پدې سره ورکړی دی چې د رسول الله صلی الله علیه وسلم په لومړنیو پیروانو کې فارسي بلال، رومي صهیب او حبشي بلال هم شامل وو او د حبشي بلال څخه یې په خپله دې مبارکه وینا چې (بلال سیدنا)، سردار جوړ کړی وو او هغه ته یې د آذان (لمانځه ته بلنې) د حق ورکولو درونډ ویاړ وربخښلی وو. مگر له بده مرغه چې د شپاړسمې میلادي پیړۍ راهیسې چې کله قوم پرستۍ په اروپا کې د «مارتن لوترکینگ» پیروان پیدا کړل نو ختیځې (اسلامي نړۍ) ته یې هم لیاره وکړه او د شلمې پیړۍ سترې پیښې لکه نړیوالې دوه جگړې او هم د اسلامي امت متلاشي کیدل او اختلافونه او د ملعون مصطفی کمال اتاترک په لاس د عثماني خلافت نړیدل گردواړه یې منفي آغیزې وې؛ چې لا تر اوسه هم ورڅخه گرده اسلامي نړۍ رنځ وړي او په ډیرو هیوادونو کې یې د مسلمانانو شوکت او دبدبه تالا ترغۍ کړیده. مگر عجیبه داده چې په لویدیځه نړۍ کې د نژاد پرستۍ پر خلاف د مبارزې کریدت هم، اوس لویدیځ غواړي، د خپل ځان کړي؛ پداسې حال کې چې په افریقایي او آسیایي هیوادونو کې له دیکتاتور رژیمونو څخه د ملاتړ کولو لامله چې کله ددغه ولسونو وگړي وغواړي له خپلو دیکتاتورانو واکمنیو څخه د ځانونو ژغورنې لامله اروپا ته مخه کړي نو بیا په نژاد پرستۍ ولاړ سیاستونه لکه چې په فرانسه کې د (ژان ماري لوپن) تر قیادت لاندې ملي جبهه او په ایټالیا کې (فرانکووینې) تر قیادت لاندې د ایټالیا سوسیال ټولنیز خوځښت، په آلمان کې د جمهوریت غوښتونکو گوند، په انگلستان کې د برتانیې ملی گوند او په روسیه کې د ژیرنیوویسکي دموکرات لیبرال گوند یې، چې پلې کوي.

لویدځ ولې د منډېلا د مبارزې او شخصیت لمانځنه کوي؟

وروسته لدې چې لویدیځ د شلمې پیړۍ د دوه وو مطرحو اقتصادي سیستمونو (کپتلزم او سوسیالیزم) ماتې ولیدې؛ چې د انسان په لاس وضع شوو اقتصادي سیستمونو په توگه یو هم د بشري ټولنو ستونزې هوارې نکړې. او له دین پالنې څخه یې لا د پخوا څخه انکار کړی وو؛ هغه مهال چې د مارتن لوترکینگ او ماکیاول سیکولر سیاستونه یې خپل کړي وو، نو د اسلامي نړۍ سره په فکري جگړه کې اوس لویدیځ او امریکا ته کوم داسې څه ندي پاتې چې په هغې سره د ختیځې نړۍ دین او کلتور په وړاندې مبارزه وکړي؛ ځکه سوسیالیزم د پخواني شوروي اتحاد په رنگیدو سره نا چل ثابت شو او کپتلزم د هسپانیې، پرتگال، یونان، قبرص او ایټالیې په پانگوالو هیوادونو کې د اقتصادي خوړتیا او ناکامۍ لامله ناکامثابت شو، چې په روانه لسیزه کې یې د سر په سترگو گورو، د نلسن منډېلا سیاست ته یې ایډیال وویلې تر څو له یوې خوا د مسلمانانو په وړاندې کم رانشي او له بلې خوا مسلمانان هم پدې سره تلقین کړي چې د تحریکي اسلام له ایډیالوژۍ څخه راوگرځي او د نه تشدد مجبوریتي تگلاره خپله کړي؛ هغه چې فلسطین ولس یې د شلمې پیړۍ په اوږدو کې لاس تر زنې کېنولی وو او د دوه سوو اتومي سرگلولو لرونکي اسرائیل په وړاندې یې عرفات ته یوازې د وینا کولو سیاست ښودلی وو؛ چې لامله یې بیا فلسطین د الانتفاضه خپلولو ته اړ شو او د (حماس) خوځښت یې رامینځته کړ چې له برکته یې د فلسطین په یوه برخه رښتیوني اسلامي حاکمیت قایم دی.

روابط هند و افغانستان و انتظارات...

افغانستان ندادند اما افغانستان قبلاً گفته است که نیاز به جنگ افزار های سنگین و طیارات جنگی دارد.

آیا فروش اسلحه به افغانستان از جانب هند موجب تحریک پاکستان نخواهد شد؟ مقامات پاکستانی مدعی اند که مخالف فروش اسلحه از جانب هیچ کشور به دولت افغانستان نیستند اما مخالف دادن اسلحه به گروه های درگیر در افغانستان اند. این درحالیست که هندوستان هم پاکستان را نه تنها متهم به دادن اسلحه به طالبان افغان می کند بلکه مدعی است که ارتش پاکستان به گروه های تجزیه طلب در کشمیر هند نیز کمک تسلیحاتی می نماید.

هندوستان با تجربه ای که از مداخلات نظامی پاکستان در افغانستان دارد می داند که کمک نظامی حتی به دولت افغانستان می تواند هند را در چرخهٔ نا امنی ها در افغانستان درگیر سازد، بنا براین هندوستان به پیروی از چین دید اقتصادی را بر سایر فکتور ها در افغانستان ترجیح می دهد.

پاکستان رقیب هندوستان در منطقه، در طول دوازده گذشته هر سال به ارزش میلیارد ها دالر امتعه به افغانستان فروخته است. بازار افغانستان برای هندوستان هم فرصت است و در عین حال افغانستان می تواند منبع دست نخورده از مواد خام را در اختیار هندوستان بگذارد. این گونه معاملات می تواند به کمپنی های هندی فرصت سرمایه گذاری در افغانستان را فراهم نماید. بنا براین هندوستان نمی خواهد با فروش سلاح به افغانستان، طالبان را به عکس العمل وادارد و آیندهٔ سرمایه گذاری های خود در افغانستان را به مخاطره بیاندازد.

هند برای دسترسی به بازار افغانستان و در مجموع آسیای مرکزی، نیاز به راه پاکستان دارد اما پاکستان حاضر به این کار نیست. در نتیجه هندوستان مجبور شد تا در مورد یک راه بدیل به آسیای میانه از طریق افغانستان با ایران به توافق برسد. قرار است هندوستان در بندر چاه بهار ایران میلیارد ها دالر سرمایه گذاری نماید. این بندر که در نزدیکی بندر گوادر در پاکستان قرار دارد می تواند امکان دسترسی مستقیم هند به منابع طبیعی و بازار های افغانستان و آسیای میانه را فراهم سازد.

اما همهٔ این شرایط نیازمند صلح و ثبات در افغانستان است. حامدکرزی در دهلی جدید بار دیگر به ضرورت همکاری کشور های منطقه در صلح ثبات منطقه تاکید نمود. به نظر می رسد که هدف از سفر حامدکرزی به هندوستان بعد از سفر به ایران، نشان دادن قدرت مانور حکومت افغانستان در برابر فشار های امریکاست. سخنان حامدکرزی در مورد تلاش های استعمارگرانهٔ امریکا با روزنامهٔ فرانسوی لوموند، هواداران امریکا در داخل افغانستان را بشدت ناراحت ساخت. رسانه های وابسته به امریکا که مصاحبه با چنین افراد را به نشر سپردند، هدف شان این بود که استعمارگری مقوله ای از دوران جنگ سرد است و امروز آنچه که مهم است، همکاری های متقابل میان کشور هاست. این جماعت به این نکته نمی پردازند که استعمار هم در مفهوم لغوی خویش طلب عمران و آبادانی است. در اینجا بحث نه بر سر مفهوم بلکه بر سر مدلول است.

اما آیا هند حاضر خواهد بود به افغانستان اسلحه بفروشد؟ در این رابطه نقش امریکا را نباید نادیده گرفت. اگر امریکا از هندوستان بخواهد تا به افغانستان اسلحه ندهد، برای رئیس جمهور کرزی دشوار خواهد بود تا هند را به فروش اسلحه به افغانستان ترغیب نماید. اگر امریکا بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان حضور نظامی داشته باشد، فروش اسلحه از جانب هند به افغانستان به معنی کمک به این حضور خواهد بود و در نتیجه مخالفین مسلح حکومت افغانستان به هند بعنوان کشور حامی حضور امریکا در افغانستان خواهند دید که این مسئله می تواند به منافع اقتصادی هند در افغانستان ضربه وارد آورد. در این صورت طالبان تلاش خواهند کرد تا پروژه هائی را که هند در آن سرمایه گذاری نماید، هدف قرار دهند.

بنا براین نمی توان انتظار داشت که سفر حامدکرزی به هند بتواند فشار متقابل از جانب حامدکرزی به امریکا بشمار آید. بخصوص که هندوستان این محاسبه را نیز دارد که از دوران زمامداری حامدکرزی کمتر از چهار ماه باقی مانده است.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۲۲قوس:

• به گزارش رسانه ها، نیروهای ارتش و امنیت ملی ولایت فراه توانسته اند تا ۷ تن از طراحان حملات انفجاری و بمبگذاری را در ولسوالی پشترود ولایت فراه از روستای "کبابی" دستگیر کنند. فرماندهٔ ارتش در ولسوالی پشترود، گفته است، این ۷ تن از جمله ماین گذاران و طراحان حملات انفجاری بوده که قبل از این در ولسوالی پشترود فعالیت های هراس افکنی داشته اند.

۲۳قوس:

• به گزارش رسانه ها، مردم اله سای ولایت کاپیسا علیه طالبان مسلح دست به قیام مسلحانه زدند. گفته می شود شماری از زیادی از باشنده گان اله سای کاپیسا در برابر طالبان دست به قیام زدند این قیام در قریهٔ آکسین آن ولسوالی آغاز شده است. قیام کننده گان تلاش دارند تا طالبان را از اله سای به صورت کل بیرون کنند. به گفتهٔ آمر اوپراسیون قوماندانی امنیهٔ کاپیسا، در این خیزش مردمی حدود شش هزار تن از باشنده گان اله سای شرکت دارند.

۲۴قوس:

• مقامات محلی ولایت لوگر به رسانه ها گفته اند، بر اثر اصابت راکت، ۲ تن از دانش آموزان مکتب غازی امان الله کشته و ۴ تن دیگر شدیدا مجروح شدند. سخنگوی والی لوگر گفته است، این حادثه زمانی به وقوع پیوست که چند تن از دانش آموزان مکتب مصروف بازی و سرگرمی بودند. به گفته وی؛ این رویداد در منطقه "زوقوم" پل علم — مرکز ولایت لوگر رخ داد داده است.

• به قول رسانه ها، نیروهای امنیتی طی عملیاتی در روستای قاسم آباد ولسوالی بهسود ولایت ننگرهار ، یک قوماندان شورشیان بنام یوسف مشهور به کلام همره را بازداشت کردند. گفته شده که وی، در اکثر ناامنی ها در ولسوالی بهسود و سایر مربوطات ولایت ننگرهار سهم فعال داشته است.

۲۵قوس:

• به گزارش رسانه ها، در ولسوالی "دهراوود" ولایت ارزگان چهار کودک بر اثر انفجار ماین کنار جاده ای کشته شدند. به گفتهٔ سخنگوی والی ارزگان، این حادثه زمانی رخ داد که این کودکان مشغول بازی بودند. گفته می شود که، این در حالی است که روز گذشته در انفجار میاین در کنر و ننگرهار چهار غیرنظامی و چهار پولیس کشته شدند.

• بر اساس اعلامیهٔ وزارت امور داخله، خانمی به نام حلیمه باشندهٔ اصلی ولایت قندوز که توسط گروه طالبان به اسارت درآمده بود و قصد داشتند که وی را به قتل برسانند از سوی نیروهای پولیس ملی در یک عملیات ویژه، در مربوطات ولسوالی دشت ارچی این ولایت نجات داده شد. گفته می شود این خانم در خانه های امن بسر می برد.

• به گزارش رسانه ها، یک گروه سه نفری سازماندهندگان حملات انتحاری ازسوی موظفین ریاست عمومی امنیت ملی در ولایت جوزجان دستگیر شدند. دفترمطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی گفته است، این گروه به رهبری مولوی حبیب الله مدرس مدرسه عطائی قریه پیرمزید شهر شبرغان که قصد انجام حمله انتحاری را در یکی از مناطق مزدحم شهر شبرغان داشتند با چهارمیل کلاشینکوف معه چهارصدو بیست و پنج فیر مرمی آن ، پنج قبضه بمب دستی درمسیر شاهراه شبرغان – آقچه توسط موظفین ریاست عمومی امنیت ملی گرفتار شدند.

۲۶قوس:

• نمایندهٔ خاص منشی عمومی سازمان ملل متحد در افغانستان گفته است که شمار تلفات غیرنظامیان در یازده ماه گذشته نسبت به عین زمان در سال قبل افزایش یافته است. یان کوبیش به شورای امنیت سازمان ملل متحد گفته است که در جریان یازده ماه نخست امسال ۲۷۳۰ نفر کشته و ۵۱۶۹ تن دیگر زخمی شده اند. به گفتهٔ کوبیش این رقم ده درصد افزایش را نسبت به سال گذشته نشان می دهد. به گزارش فرانسپرس، سازمان ملل متحد در گزارش که در تازه گی نشر کرده گفته است که انفجارهای کنار جاده و حمله های انتحاری مسوول نصف تلفات بوده اند. یان کوبش نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد در افغانستان گفته است که غیرنظامیان هنوز هم قربانی جنگ در افغانستان بوده اند.

۲۷قوس:

• حملهٔ دسته جمعی و گروهی طالبان مسلح در تورخم شهرک سرحدی ولایت ننگرهار صورت گرفت. این حمله، در ۲۰۰ متری دروازهٔ تورخم، بالای ایستگاه موترهای اکمالاتی نیروهای خارجی صورت گرفت. به گفتهٔ درستیزوال پولیس محافظت نظم عامه در تورخم، به رسانه ها، این جنگ، حوالی ساعت ۸ صبح، با کشته شدن سه مهاجم پایان یافت. وی افزوده است که در این جنگ، یک پولیس نظم عامه کشته شده و دو تن دیگر جراحت برداشته؛ اما تلفات ملکی ندارد.

•

برادرم! راه تو رنگین است!!!

□ **فضلی آماج**

زندگی و مرگ آزمونگاهِ بشر*است؛ تا نیک و بد چهره بنمایند و سنّت باری همین است که آدمی یا راه آدمی گزینند؛ تا با ساز هستی هماهنگ شود و در زیر این چرخ کبود، طبیعت را سرگشتهٔ خویش بیند و انسان را شادِ دنیای امروز و امیدمندِ فردای روشن و ماندگار، و یاهم راه شیطان گزینند و در این حال زندگی یک‌قلم تباهی و سرگشتگی‌است و این خود به استبداد و خودکامگی و طاغوت‌گری می‌انجامد که فرهنگ قرآنی تحت عناوین کفر، جاهلیّت، شرک و نفاق از آن نام می‌برد و آدمی را- آری آدمی را- به‌سمت ستیز با این پدیدهٔ عارضی و بی‌بنیه جهت می‌دهد و از آن‌رو که آدمی را مرشد روشن‌ضمیری می‌باید که چراغِ روشنگر راهش باشد؛ لذا خدای آدمی برگزیدگانی را از میان‌شان برمی‌انگیزد؛ تا آیات خواندنی را برای‌شان بخواند و آیات دیدنی مکنون و آشکار در سینهٔ هستی را برای‌شان بازکند و بنماید؛ تا از لوثِ پلیشتی‌های مادی و معنوی پاک‌شان دارد و کتاب و فرزانگی را به ایشان بیاموزاند؛ امّا آنان که راه غیر آدمی گزیدند، این صفا و روشنی زندگی را تیره و شب خواهند و برای دست یابی به این تاریکی از هرطریقی و از هرسببی دست‌آویز می گیرند؛ ولی راهیان نور در پرتو هدایت ربانی می‌رزمند و برای رهایی از «سنّت تحمیلِ جهل و جور انسان‌ها» دست به دامان رهبری می‌زنند که «انقلاب‌افروزِ متن زندگی» است و پیوسته در تکاپواند؛ تا به انسان مسخ‌شدهٔ قرن هویّت انسانی‌اش را برگردانند و این حقیقت را که ماده مال آدم است، نه آدم مال ماده و «همه از بهر او سرگشته و فرمان‌بردار» اند، ثبت دفتر زندگی کردند و می کنند، انقلاب امّت ما هم در پرتو تعالیم روشنگر و فروزندهٔ پیامبری پا به عرصهٔ هستی گذاشت که:

از وجودش می‌تراود انقلاب
و ز نگاهش می‌درخشد آفتاب

از این‌رو – آن‌گونه که تمامی رستاخیزهای آزادی‌خواهانهٔ حق، به‌کوهی از مشکلات و دسیسه‌ها سرمی‌خورند؛ تا از پا درآیند – برای از پادرآوردنِ این فریادها، درندگانِ آدم‌تما، در هر سرزمینی، از جمله در سرزمین ما، گاهی دست به جنایات و آدم‌کشی‌ها می‌زدند و گاهِ دیگری، آهنگ توطئه‌گری و دسیسه‌سازی می کردند؛ تا به قول اقبال: لات و عزی در حرم باز آورند، که نشد، چون برخی از مؤمنان و رجال الله راست‌کار، با خدای خود پیمان ستم‌زدایی و پرخاش‌گری داشتند و در این راه؛ تا پای جان ادامه دادند.

حدود پنج هزار نام‌آوران اخیری که نام‌شان- جهت اهدافی- در این روزها، آری در این روزها- به دست نشر سپرده شد، از زمرهٔ همان مردانی هستند که در چکاچک رزمِ آزادی‌خواهانهٔ امّت ما، از همه یک سروگردن بلندتر بودند و تا پای جان به همین راه ادامه دادند و یگانه راهِ نجات انسانِ مُسْتَضعَف را در پیمودنِ این راه می‌دانستند و گِل این راه را بر گُل‌نمای راه اهریمنان نمی‌دادند، آخر چه‌گونه ممکن بود، مردانی که در دامانِ تعالیم تابناک بزرگ‌ترین آموزگار بشریت درس آزادی و ستیز، با نابسامانی‌های جاهلی را فرا گیرند، سپس در کشاکش‌های امّت خویش به رُکنی پناه برند و نستیزند؟!

این؛ مگر ممکن بود که در برابر ناروای‌ها و به خاک و خون کشیدن‌های جاهلانهٔ امت‌شان دستور بیدارگری و به پاخاستن و پاییدن، در برابر امواج بنیادبرانداز کابوسِ کمونیسم و مزدبگیرانش ندهند؟

از این‌رو اینان- به‌سان دیگر اخوان‌شان- باورها را از وضعیت اسف‌بار تنها سخن‌گفتن، به کردن در آوردند و این را مسجل کردند که اینان از پی معرفت، حرکت می‌خواهند و معرفت بی‌حرکت را به پرکاهی نمی‌خرند، پس لاجرم، ما از این رستاخیز بیدارگرانه، دست‌کم بر این باور پا فشاریم که صفایی بر تیرگی پیروز است.

ولی؛ ولی، این را نباید از چشم‌دوخت‌ها و برنامه‌ها دور داشت که اهداف این شهیدان حاکمیت دین خدا بود که خود ضامن و پاسدار کرامت انسان و عدالت اجتماعی و دیگر ارزش‌هاست، پس اگر ما به‌حق؛ رهرو آرمان این شهیدان هستیم، پس چرا نباید- برای بلند شدن کلمهٔ خدا، با برنامه و به دور از هیاهوی بازگیران، سنجیده و خودقربانی کرده- بجنبیم؟

پس چرا در برنامه و در پیوسته جنبیدن، به دیگران- که جز عزت و رهایی‌شان چیزی نخواهیم- نشان ندهیم که ما «پرندگان بال شکسته نیستیم و به ذلت و خواری تن در ندهیم»؟

چرا به انسان نفهمانیم که ما سپاه پاسدار تو، از دست غدر و خیانتیم؟ مگر بشر اندک آزموده است، بشرِ بشردوست را؟ شما را چه شده مگر نمی‌بینید؟

چرا به انسان ثابت نکنیم که ما به تو، به نگاه کرامت می‌نگریم، ما در اوج حوادث دردناک روزگار هم، به تو نگاه ابزاری نداشتیم و نداریم؟ ص۴

اعتراض مدنی تا خشونت های خیابانی...

و هر نوع مخالفت در برابر این حکومت نوپای یک نوع تخطی آشکار را در برابر دیموکراسی که شرق و غرب به آن باور دارند، نشان می دهد.

آنچه امروز مردم مصر را رنج می دهد سقوط کار و بار، ساخت و ساز هایی سیاسی و اجتماعی، تورید مواد غذایی و فرار زائران خارجی از این کشور می باشد. گزارشات بین المللی نشان می دهد که مصر سالانه در حدود یازده میلیارد دالر از باب تکس بازدید خارجیان از مناطق تاریخی این کشور بدست می آورند. امروز مصری ها از آینده خود نگران اند. تجارت های بین المللی، واردات و صادرات از رونق افتاده است. تعدادی از نخبگان این کشور به بهانه های مختلف مورد شکنجهٔ پولیس قرار گرفته اند. مردم مصر به این باور اند که آن ها فقط در فضای دیموکراسی و عدالت اجتماعی می توانند با هم زنده گی نمایند، نه در دیکتاتوری. امروز حکومت مصر به سوی دیکتاتوری و خشونت گام بر می دارد. تمام حرکت های مدنی مردم مصر تحت کنترول پولیس این کشور قرار دارد و برای پولیس اجازه داده شده است که از اعمال خشونت در برابر تظاهر کننده گان، استفاده نمایند. هر روز مردم این کشور قربانی خشونت می شوند. اگر این وضع بصورت منطقی تحت کنترول قرار نگیرد، در این کشور دیکتاتوری نهادینه خواهد شد و هر نوع اعتراض مدنی سرکوب خواهد گردید. دیگر ارادهٔ مردم قربانی دیکتاتور های این کشور قرار خواهد گرفت و مردم در نتیجه این انتخابات که قرار است برگزار گردد، اطمینان نخواهند داشت. این کشور فعلاً حالت انفجاری داشته و به شوی یک آیندهٔ مجهول، مانند سوریه گام بر می دارد. مسوولیت این بی ثباتی در مصر بدون شک به دوش طرفداران ارتش و حامیان حسنی مبارک خواهد بود که بصورت پنهان این کشور را به چنین آشوب فرا خوانده اند.

ترکیه د اروپایي ټولنې د ...

ته مخه کوي او آروپا یې له ګوابښ سره مخ کړې ده. نو ځکه آروپا اوس د ترکیې دغه غوښتنه مني.

پداسې حال کې چې د اوکراین ولمسشر (ویکتوریان کوویچ) په ناتو ترون کې د غړیتوب لاسته راوړلو وروسته هم، د آروپا سره سره د ګډې او آزادې سوداګرۍ پر ځای د روسیې سره په نږدې کېدو خوښ دی او له برکته یې که امریکا او لویدیځو هیوادونو هلته د مُدعي سست او ګواه چُست په سیاست خپلولو سره آپوزیسون د (یان کوویچ) پرخلاف پراخو لاریونونو ته هڅولي او حکومت یې ګوابښ سره مخ کړی وو. چې د روسیې د ولسمشر ولادیمیر پوتین لخوا د ګازو د اخستلو لپاره د پنځلس ملیاردو په پور ورکولو سره د نوموړي د خپل ولس په وړاندې سترګې اوچتې کړې او اونۍ وړاندې د امریکا څخه دوه وو ورغلو سناتورانو ارادې یې شنډې کړې.

د ترکیې د آروپایي اتحاد سره د ترسره کړې وروستۍ معاهدې له مخې به ترکیه د دریو کلونو په موده کې د آروپایي ترون غړي هیواد شي او په مټ به یې ترکي وګړي له ویزې پرته په آزاده توګه د اروپا ته تللی شي، چې دا د ترکیې لپاره یوه اقتصادي ګټه ده. خو آروپایان به له دې وروسته هغه آسیایي او افریقایي وګړي چې په ناقانونه توګه اروپا ته تلونکي وي، تر ترکیې پورې ډیپوټ (واپس) کوي او د ترکیې تر پولو به نور ددغسې کډوالو مخه نیولې کیږي، یعنی د یونان او ایټالي تر پولو به نور داسې کډوال نه رسیږي. چې دغه کار که ترکیې ته امتیازات او حقوق وربخښي نو مسوولیت هم ورته ټاکي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ سی و ششم ۳۰ قوس ۱۳۹۲ ۱۷صفر المظفر ۱۴۳۵- 21 December 2013

ترکیه د اروپايي ټولنې د غړیتوب په درشل کې



◇ زهیر

ترکیه هغه اسلامي هیواد دی چې د لرغوني تاریخ لرونکی او د آروپا او آسیا دوارو وچو ترمینځه مؤقعیت لري. د ترکیې خاوره یو وخت د آسیا څه آروپا ته د غزیدلې اسلامي آمپراتوری پول او مرکز وو؛ هغه مهال چې عثماني امپراتوری د ترکیې له استانې څخه د فرانسې د ځینو برخو په ګډون د هسپانې او پرتګال په نوم هیوادونو کې د غرناطې، قرطبې، صقلیې، طلیطلې او اشبیلې په نوم د تمدن، علم او فرهنګ مرکزونه لرل. نو آروپایانو د عثماني امپراطوری له علم او فرهنګ ځایونو څخه ګټه پورته کوله او دا به یې آرمان وو چې د ختیځ څخه ورغلي د امام ابویوسف رحمه الله د اقتصاد په هکله او د محمد بن حسن شیباني رحمه الله د سیاست په هکله، معلومات لاسته راوړي او د ابن خلدون، ابن سینا، ابن رشد او... نورو ترجمه شوي آثار مطالعه کړي، څو د پرمختګ لیار خپله کړي.

خو له بده مرغه چې د اسلامي امت د ناخلفه خلف د کړنو لامله پورته لاس ښکته، او ښکته لاس پورته شو؛ د ختیځ علومو ته لیواله آروپا اوس د ختیځوالو لپاره د تمدن او اقتصاد ښه کولو منبع ګرځي او نوري نړۍ ته هر څه ورکوونکی ختیځ، د لویدیځ په درشل کې ودریږي!! دا ملامتي یوازې د ترکیې لپاره نده، بلکې د ټولې اسلامي نړۍ لپاره ده. خو که د اتاتورک غرور او د طوراني ترکیې تمدن راژوندي کولو خوبونو ترکیه له اسلامي نړۍ څخه شلولې نه واې نو نن به د عربي خاورو د ځوانانو او پانګوالو د بې حسابه دولتونو څخه د آروپا بانکونو خوندنه اخستی او نه به د آروپا اقتصاد ته، ترکیې ګوته په خوله کتل. خو چې ورانه ده له خانه ده؛ د مصطفی کمال اتاترک غرور وو چې اسلامي نړۍ یې له ځانه وشلوله. که طیب اردوغان او عبدالله ګل د «ګیزي پارک» په مجسمو ړنګولو اسلامي اراده او پر ځای یې هلته یو ستر اقتصادي مرکز جوړولو هاند کې پاتې راغی بیا هم ناکامي یې نه ګڼو؛ ځکه ارادې یې اوس هم فولادي دي؛ اسرائیلی صدراعظم او د مصر ولسواکي ترورونکی السیسی ته سر نه ښکته کوي.

او د اقتصاد په ډګر کې که له اروپا سره د آزادې سوداګرۍ او راکړې ورکړې له لیارې غواړي چې د آروپايي ټولنې په غړیتوب لاسته راوړلو سره د یوویشتمې پیړۍ اقتصادي جګړې ته ځان برابر وي، دا کومه بده خبره نده؛ ځکه هوښیار او زیرک مسلمانان د حالاتو او شرایطو په نظر کې نیولو سره پریکړې کوي.

دا چې ترکیه د آروپا سره د پولې لرلو لامله اړتیا لري چې د هغوی په څېر اقتصادي پرمختګ وکړي او په همدې منظور یې له دوه نیمو لسیزو راهیسې دغه هڅه اوس د بریالیتوب په لورې روانه ده، آروپا هم دې ته اړ شوې ده چې ترکیې ته « سره ددې چې د قبرص په سر د آروپایي هیواد سره یونان سره تاریخي لانجه هم لري او د خپلو نورو پخوانیو حکومتونو په پرتله اوسنی واکمن نظام پکې د اسلامي نظام پلي کولو بشپړې هڅې هم کوي » دا امتیازات ورکړي. لکه چې طیب اردوغان ورته په خپلو خبرو کې اشاره وکړه؛ په ختیځه نړۍ او په ځانګړې توګه اسلامي هیوادونو کې د دیکتاتورو رژیمونو څخه د لویدیځ د ملاتړ پر بنیاد ورځ تر بلې د فقر او تنګسیا لامله ددغو هیوادونو خلک آروپايي هیوادونو

۷مخ

واخان پس از بند امیر دومین پارک ملی اعلام می شود

□ اندیشه

مصطفی ظاهر رئیس عمومی ادارهٔ ملی حفاظت محیط زیست هنگام امضای یک تفاهمنامهٔ منطقه ای، گفته است که واخان بدخشان به عنوان دومین پارک ملی کشور اعلام می شود. به گفتهٔ موصوف بند امیر در ولایت بامیان نخستین پارک ملی بوده که بعد از آن، آخرین جای دست نخورده کرهٔ زمین واخان بدخشان به عنوان دومین پارک ملی کشور اعلام می گردد.

ادارهٔ ملی حفاظت محیط زیست تفاهمنامهٔ همکاری ده ساله را با موسسهٔ تحفظ حیات وحش با (دبلیو سی اس) امضا نمود.

برنبیاد این تفاهم نامه نهاد یاد شده در قسمت حفظ محیط زیست کمک های لازم را به افغانستان انجام خواهد داد.

به گزارش رسانه ها، مصطفی ظاهر رئیس عمومی ادارهٔ ملی حفاظت محیط زیست از کارهای ارزشمند چند سالهٔ این موسسه در عرصه هایی مختلف و بخصوص در زمینهٔ تحفظ حیات وحش قدردانی کرده گفت:

بربنیاد این تفاهمنامه مؤسسهٔ تحفظ حیات وحش (دبلیو سی اس) که سابقهٔ تجربهٔ ۱۲۳ ساله در دنیا را دارد در ده سال آینده در بخش های تغییر اقلیم ، انکشاف پایه دار ، آگاهی عامه، تقنین و پالیسی و حفظ میراث های طبیعی و حیات وحش این اداره را همکاری می نماید.

داکتر ریچارد پیلی رئیس مؤسسهٔ تحفظ حیات وحش گفت: عقد این تفاهمنامه زمینهٔ تداوم همکاری این مؤسسه را با دولت جمهوری اسلامی افغانستان فراهم ساخته و وعده سپرد که از طریق ادارهٔ ملی حفاظت محیط زیست مردم ، طبیعت زیبا و بخصوص در زمینهٔ تحفظ حیات وحش افغانستان طی ده سال آینده همکاری همه جانبه می نمایند.

دفتر مرکزی تحفظ حیات وحش (دبلیو سی اس) در شهر نیویارک ایالات متحدهٔ امریکا موقعیت داشته و از چند سال بدین سو ادارهٔ ملی حفاظت محیط زیست و وزارت زراعت کشور را در عرصه های مختلف همکاری کرده است.

اعتراض مدنی تا خشونت های خیابانی در مصر

□ عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

مصر یگانه کشوری بود که در آن دعوی مسلمان و مسیحی و اقلیت های اتنیکی وجود نداشته است و مذاهب مختلف در طی هشتاد سال بصورت مسالمت آمیز در این سرزمین زنده گی می نمودند. در نتیجهٔ بهار عرب و اعتراضات مدنی بعد از تونس در سال ۲۰۱۱ میلادی این کشور توانست در نتیجهٔ یک انتخابات آزاد و شفاف چرخهٔ قدرت را در این کشور سرنگون سازد و جریان اسلامگرا به رهبری محمد مرسی که از تحصیل کرده های امریکا می باشد قدرت را بدست گرفت. از آنجائی که حزب اخوان المسلمین ظرف هفتاد سال گذشته فعالیت های آن غیر قانونی بوده است و بدون برنامه های از قبل تعین شده که از خود دشمنان فراوانی در داخل و خارج از کشور داشت نتوانست این حاکمیت را به فرجام برساند. لیبرال های غرب طرفداران حسنی مبارک و سلفی ها به کمک عربستان سعودی و امارات متحدهٔ عربی یک همایش چند صد هزاری را در میدان تحریر و سایر مناطق مصر مدیریت نمودند و در نتیجه ارتش آن کشور به اشارهٔ برخی از کشور ها به بهانهٔ اینکه مبادا وضعیت از کنترول خارج گردد و زنده گی در مصر فلج گردد ارتش قدرت را بدست گرفت و رئیس جمهور مرسی را محبوس و رهبران اسلامگرایان را به زندان های این کشور تحویل داد.

این حکومت که در نتیجهٔ یک کودتای نظامی بوجود آمد، شورای قانون اساسی را لغو و کمیتهٔ جدید را در جهت طرح قانون اساسی جدید بوجود آورد. شورای جدید قانون اساسی مصر ۴۲ ماده جدید را در قانون اساسی مصر علاوه نمود و برای تظاهرات قوانین سختگیرانه وضع نمود و فعالیت اسلامگرایان را مبنی بر ساخت حزب سیاسی ممنوع قرار داد. از زمان حذف حکومت اسلامگرایان در مصر حرکت های مدنی و جنبش های دانشگاهیان فزونی یافته و بطور مستمر این دانشجویان میدان تحریر و مسجد العدویه و سایر شهر ها را به محاصره کشیده و خواهان بازگشت رئیس جمهور مشروع خویش گردیده اند. این حرکت های مدنی سر انجام خشونت های فرقه یی و مذهبی را در مصر بوجود آورد و مناطق سینا قبل از همه دستخوش نا آرامی ها در این کشور گردیده است.

کشور مصر برای بار نخست بعد از افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، لبنان، لیبیا، تونس، یمن و سایر مناطق که در آن انتحار و ترور یگانه وسیلهٔ راهیابی به حقوق مردم به زعم آن ها می باشد، داخل معرکه گردیده است. در حالیکه مصر یک کشور دارای ضوابط مدنی و بنیاد های دیموکراسی بوده است و این مردم از خشونت و جنگ های فرقه یی در گذشته نفرت داشته اند، اکنون نظر به بد روزگار مصر به این کاروان پیوسته است/ از آنجائی که جریان هایی اخوان المسلمین، اسلامگرایان و سلفی ها در این کشور ریشه در تاریخ قرن بیست دارند، این گروه های اسلامگرا هیچگاه حاضر نخواهند شد که از نتیجهٔ انتخابات که با شیوه های دیموکراسی برگزار گردیده بود نتیجه آن را پشت نمایند. در صورتی که این حاکمیت موجود، نتواند طیف وسیعی از اسلامگرایان را در بدنهٔ حکومت جابجا سازد با گذشت هر روز ما شاهد خشونت هایی بیشتر در این کشور خواهیم بود. این احتمال وجود دارد که مصر به یک معضل بزرگ در منطقه تبدیل گردد. باید انکار نکرد که پیروزی اسلامگرایان به شیوهٔ دیموکراسی صورت گرفته بود

ص۷